

فصلنامه تاریخ اسلام  
 سال سیزدهم، شماره سوم، پاییز  
 1391، شماره مسلسل 51

## جنگ‌های صلیبی؛ از ستیزه‌جویی بی‌ثمر تا پی- آمدهای فرهنگی و علمی برای اروپاییان

تاریخ دریافت: 91/1/12

تاریخ تأیید: 91/8/28

دکتر فضل‌الله ایرجی کجوری

جنگ‌های صلیبی (1066 – 1270 م)  
 خشونت‌بارترین و خونین‌ترین برخورد اروپایی  
 سده میانه با ملت‌های مسلمان و تمدن اسلامی  
 بود که خسارت‌های انسانی و مادی فراوانی  
 به دنبال داشت. این نبردها منجر به توسعه  
 ارضی اروپا، نجات مزار مقدس، اشغال دائمی  
 سرزمین فلسطین و تشکیل امپراتوری اروپایی  
 در جنوب و شرق مدیترانه نشد اما پی‌آمدهای  
 مهمی به ویژه برای اروپاییان داشت که از  
 پایه‌های اصلی نهضت رنسانس در اروپا محسوب  
 می‌شوند. در این مقاله به برخی از آثار و  
 دلایل عدم کامیابی صلیبیان در بهره‌مندی  
 قابل قبول از تمدن و فرهنگ درخشان اسلامی  
 اشاره شده است. سربازان و روستاییان  
 گرسنه و محرومی که به دنبال شوالیه‌های  
 ماجراجو و کشیشان متعصب برای فتح  
 سرزمین‌های اسلامی به راه افتاده بودند،  
 فاقد فضیلت و استعداد کافی برای دریافت  
 اندیشه‌ها و دست‌آوردهای علمی و فرهنگی

عضو هیأت علمی دفتر برنامه‌ریزی اجتماعی و  
 مطالعات فرهنگی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری.

مسلمانان بودند. سبک زندگی شهرنشینی مسلمانان با وجود جذابیت تأثیر چندانی در روش و منش زندگی مجاهدان صلیبی در بازگشت به سرزمین‌هایشان نگذاشت اما نباید انکار کرد که بذر تردید و بی‌اعتمادی به دین مسیحیت در ذهن و جان آنان رویید و در عصر روشن‌گری تردیدهای توده مردم، زمینه‌های نهضت اصلاح دینی را فراهم کرد. هم‌چنین در میان مجاهدان متعصب صلیبی، افراد هوشیار و دانایی وجود داشتند که از سرمایه علمی و فرهنگی مسلمانان بهره‌مند شدند که در این مقاله به آنان اشاره شده است.

**واژه‌های کلیدی:** جنگ‌های صلیبی، سده میانه، تمدن اسلامی، اروپا، دولت‌های اسلامی.

مقابله خشونت‌آمیز و جنگ با فرقه‌های بدعت‌گذار، نبردهای شاهان اروپایی با فرمانروایان مسلمان اندلس و سیسیل، پیکار مسیحیان با مسلمانان در آسیای صغیر، شام، فلسطین و مصر و نبرد فرمانروایان مسیحی با عثمانی‌ها در بالکان و اروپای شرقی در سده‌های میانه، جلوه‌های مختلفی از جنگ‌های صلیبی بود که با هدف گسترش مسیحیت کاتولیک، نجات مسیحیان از سلطه مسلمانان و مبارزه با بدعت‌های دینی صورت گرفت. به طور خاص، مجموعه هشت اردوکنشی گسترده و نبردهای مسیحیان با مسلمانان عمدتاً در شام و فلسطین از 1055 تا 1270 م جنگ‌های صلیبی نامیده می‌شود. در طول نبردها و اردوکنشی‌های دوپست ساله صلیبیان به سرزمین‌های مسلمان، نیروهای نظامی فئودالی (شوالیه‌ها) برای مقابله با حکومت‌های مسلمانان به بسیجی گسترده دست زدند و تحت فرماندهی شاهانی چون فردریک بارباروسا (ریش قرمز) و

کنراد سوم پادشاهان آلمان، لویی هفتم، لویی نهم (سن لویی) و فیلیپ اگوست پادشاهان فرانسه، فردریک دوم (کبیر) پادشاه آلمان و ایتالیا، ریچارد شیردل پادشاه انگلستان و آندره دوم پادشاه مجارستان به شام، فلسطین و مصر لشکرکشی کردند.

برخی از فرمانروایان مسلمان مانند قلیچ ارسلان سلجوقی، امیر عماد الدین زنگی، پسرش نورالدین زنگی، صلاح الدین، ملک الکامل ایوبی و بیبرس در این سالها به نبردهای گسترده‌ای با مهاجمان پرداختند. مهم‌ترین دست‌آورد این نبردها برای صلیبی‌ها و اروپاییان، تشکیل حکومت لاتین بیت‌المقدس (1099 - 1111 م) بود که در نخستین اردوکشی صلیبیان در فلسطین شکل گرفت و پیوسته در کشمکش با امرا و شاهان مسلمان بود.

ترکیب نیروهایی که در اردوکشی‌های صلیبی شرکت کرده بودند، متفاوت بود. بیشتر آنان از قوم فرانک بودند و به همین سبب همه صلیبیون در کتاب‌های تاریخی مسلمانان، مانند *العبر ابن خلدون*، *کامل ابن اثیر*، *مفرج الکروب فی الاخبار بنی ایوب ابن واصل* و *سلجوقنامه* ابن بی‌بی به فرنگان (افرنج) شهرت یافتند. بعدها در کشورهای مسلمان، عموم اروپاییان، فرنگی نامیده شدند و اروپای غربی به فرنگ (بلاد افرنج) شهرت پیدا کرد.

خاستگاه‌های طبقاتی مهاجمان در اردوکشی‌های صلیبی متفاوت بود. شاهان، نجبای درجه دوم (دوک و کنت‌ها)، روحانیون (اسقف‌ها و راهبان برخی از دیرها)، شوالیه‌ها (نیروی زبده نظامی اروپا)، تجار و عامه مردم همه در جنگ‌های صلیبی شرکت داشتند اما بیشتر شرکت‌کنندگان را عامه مردم تشکیل می‌دادند. این افراد، مؤمنان وارسته و معتقدی نبودند بلکه سپاهی مرکب از ماجراجویان، فقرا و سوداگران بودند که در سودای تصرف ثروت افسانه‌ای مشرق زمین وارد سپاهیان صلیبی شده بودند. پاپ اینوسان سوم می‌گفت:

*ما از جانب خداوند مأموریم که بر همه خلائق و ممالک عالم حکم برانیم.*<sup>1</sup>

او به برتری کلیسا بر سلاطین معتقد بود و در این باره می‌گفت:

*هم‌چنان که ماه از خورشید نور می‌گیرد، مقام سلطنت نیز رونق و اقتدار خود*

*را مرهون پاپ است.*<sup>2</sup>

از سوی دیگر، با آغاز جنگ‌های صلیبی درآمد کلیسا و پاپ به دلیل جمع‌آوری کمک‌های مسیحیان برای تدارک جنگ افزایش یافته بود و این امر قدرت کلیسا را دو برابر کرد. در کنار جمع‌آوری کمک‌های مردم، کلیسای کاتولیک با آموزش گناهان و اعطای لوح بخشایش از جانب خود، درآمد مالی خویش را افزایش داد. بر طبق تعالیم انجیل، عیسی مسیح گناهان را آمرزیده بود و به حواریون خویش نیز اختیارات همانندی عطا کرده بود. کلیسای کاتولیک معتقد بود که این اختیارات از حواریون به پاپ، اسقف‌ها و در قرن دوازدهم میلادی هم‌زمان با جنگ‌های صلیبی به کشیشان نیز داده شده است.<sup>۳</sup> اولین جنگ صلیبی در مجمع کلرمون<sup>۴</sup> در سال 1055 م به وسیله پاپ اوربیان دوم<sup>۵</sup> آغاز شد. تبلیغات مؤثر راهبی فرانسوی به نام پیتر ارمیت<sup>۶</sup> که از سفر زیارتی اورشلیم بازگشته بود و با سخت‌گیری ترکان نسبت به زوار مسیحی مواجه شده بود. هم‌چنین هشدار الکسیوس کومننوس<sup>۷</sup>، امپراتور بیزانس درباره خطر حمله سلجوقیان آناتولی به اروپا و تصرف پایتخت امپراتوری روم شرقی، در شکل‌گیری این مجمع و تصمیم پاپ بسیار مؤثر بود.

به دنبال سخنان تحریک‌آمیز و غیر واقعی پاپ درباره نجات مزار مقدس عیسی مسیح، سخت‌گیری‌های مسلمانان نسبت به مسیحیان بومی و زوار مسیحی و توصیف اغراق‌آمیز ثروت مشرق زمین در کنار یادآوری مشکلات اقتصادی مردم اروپا، حاضران در مجمع، علامت صلیب به لباس خود دوختند. طولی نکشید که آنان برای آموزش گناهان، امید به زندگی بهتر، کسب زمین و یافتن راه‌های مناسب برای تجارت با سرزمین‌های ثروت‌مند مشرق زمین، نجات مزار مقدس و یادگارهای حواریون و پیامبران به سوی فلسطین حرکت کردند. پس از اوربیان دوم، جانشینان وی مانند اوژینیوس سوم، گریگوری هفتم، اینورسان سوم، هونوریوس سوم، گریگوری نهم و سن برنارد مبلغان جنگ‌های صلیبی بودند.

زمانی که صلیبیان تهاجم به مشرق زمین را آغاز کردند از نظر سیاسی دولت مقتدر، یک پارچه و متمرکزی در جهان اسلام وجود نداشت که در برابر هجوم آنها مقاومت کند. خلافت عباسیان، دوران ضعف را می‌پیمود. خلافت فاطمیان مصر نیز، چون بیماری در حال احتضار بود. دولت سلجوقی پس از مرگ ملکشاه سلجوقی یک پارچگی و وحدتش را از دست داده بود. اختلاف‌های خاندانی میان شاهزادگان سلجوقی سبب تجزیه این امپراتوری شده بود و زمینه‌های قدرت‌گیری اتابکان و شاهزادگان درجه دوم سلجوقی را در امپراتوری پهناور سلجوقیان فراهم کرده بود. سلجوقیان ایران، خوارزمشاهیان، سلاجقه روم (آناتولی)، سلجوقیان شام و حلب، اتابکان زنگی موصل و دانشمندیان آناتولی شماری از دولت‌هایی بودند که پس از سلجوقیان بزرگ به وجود آمده بودند.

بی‌تردید تعداد مراکز قدرت، سبب کشمکش و رقابت میان آنان می‌شد. بنابراین، با وجود شکست‌هایی که برخی از فرمانروایان مسلمان مانند قلیچ ارسلان سلجوقی، کریوغا (کتبوغا) حاکم موصل، عمادالدین و نورالدین زنگی و به ویژه صلاح‌الدین ایوبی (که به سلطنت لاتینی بیت‌المقدس پایان داده بود) بر صلیبیان وارد آوردند صلیبیان حدود دویست سال، شهرها و قلعه‌هایی را در لبنان، شام و فلسطین در اختیار داشتند. تنها ممالیک مصر بودند که پس از ناامیدی شاهان اروپایی در لشکرکشی به شرق، بقایای صلیبی‌ها را از شام و فلسطین بیرون راندند. جنگ‌های صلیبی در راه رسیدن به مقاصد مستقیم آرمان شهری که عیسویان در نظر داشتند به نتیجه‌ای نرسید و پس از دو قرن جنگ، تمام مناطقی که صلیبی‌ها تصرف کرده بودند به دست سلاطین مملوک مصر افتاد.

کلیسا و پاپ‌ها قدرت، حیثیت و ابهت قرون وسطایی خود را با شکست در جنگ‌های صلیبی از دست دادند و راه برای تحولاتی که منجر به نهضت اصلاح دینی گردید، باز شد. افق فکری اروپاییان پس از جنگ‌های صلیبی با تأسیس دانشگاه‌های متعدد وسعت بیشتری یافت. مهم‌ترین این دانشگاه‌ها بولونی در رم و دانشگاه پاریس بود. هم‌چنین دانشگاه‌های متعددی در سایر کشورهای اروپایی تأسیس شد که از مراکز تحول علمی

پس از جنگ‌های صلیبی بودند.<sup>۸</sup> در واقع هیچ چیز بهتر از نخستین دانشگاه‌های اروپا نمی‌تواند نشان‌گر انقلاب علمی در این سرزمین پس از جنگ‌های صلیبی باشد.

همان‌گونه که اشاره شد، افرادی که در اردوکنش‌های صلیبی از غرب به شرق آمده بودند با انگیزه‌های مختلف از خاستگاه‌های اجتماعی - اقتصادی متفاوتی بودند. بیشتر آنان افرادی تهی‌دست، ماجراجو یا سوداگو بودند. زندگی آنان در شرق بیشتر به جدال با مسلمانان، تجاوز و غارت در شهرها و آبادی‌های مسلمانان، دفاع در برابر حمله‌های فرمانروایان مسلمان و گاهی تجارت سپری می‌شد. آنان حاملان فرهنگی متعالی یا تمدنی درخشان نبودند بلکه عصاره تعصب مذهب کاتولیک، دشمنی با دین اسلام و یهود و وارثان قساوت و خشونت به جا مانده از تمدن نظامی رومی بودند. هدف آنان بیرون راندن مسلمانان از سرزمینی بود که آن را متعلق به سلطنت عیسی مسیح می‌دانستند و غارت و چپاول، به دست آوردن زمین و رهایی از فقر و بیماری که مردم اروپای سده‌های میانه، گرفتار آن بودند از دیگر اهداف آنان بودند.<sup>۹</sup>

از این رو به نظر می‌رسد که آنان برای خلق یا حفظ یک فرهنگ یا بنای یک تمدن مناسب نبودند. با این حال در میان آنان، نجیب‌زادگان و شاهزادگان فرهیخته و دانش دوستی پدید آمدند؛ مثلاً بالدوین سوم<sup>۱۰</sup> و آماریک اول<sup>۱۱</sup> پادشاه سلسله لاتینی بیت‌المقدس از دوست‌داران علم، دانش و ادب بودند. رینالد،<sup>۱۲</sup> حاکم صیدا به علوم اسلامی علاقه‌مند بود و هانری چهارم، زبان عربی را به طور کامل می‌دانست. بزرگ‌ترین مورخ اروپایی سده میانه و مورخ جنگ‌های صلیبی، ویلیام صوری در کشور صلیبیان پرورش یافت و یا خود زبان عربی می‌دانست و یا دبیران و دستیارانش با زبان عربی آشنایی داشتند.<sup>۱۳</sup> ریموند سوم،<sup>۱۴</sup> کنت طرابلس نیز عربی می‌دانست.<sup>۱۵</sup>

ابن جبیر که هم‌زمان با تحولات نظامی صلاح‌الدین ایوبی به سفر در شام، سیسیل و اسپانیا می‌پردازد در زمانی که عکاً هنوز در تصرف صلیبیان بود از آن شهر دیدن می‌کند و گزارش می‌دهد که کاتبان دیوان کشور صلیبی‌ها که مسیحی بودند به زبان عربی سخن می‌گفتند و می‌نوشتند.<sup>۱۶</sup> ترجمه آثار علمی دانش‌مندان مسلمان برای صلیبی‌هایی که از خرد و علم بهره‌چندانی نداشتند چندان اهمیتی نداشت. با این وجود، چند کتاب علمی به ویژه در طب به وسیله لاتن‌ها ترجمه شد. به عنوان نمونه استفان انطاکی رساله‌ای در طب را از عربی به زبان لاتین ترجمه کرد.<sup>۱۷</sup>

بر اساس منبعی دیگر، وی کتاب *الملکی علی ابن*

عباس مجوسی را ترجمه کرده بود.<sup>۱۸</sup> علاوه بر او، افراد دیگری مانند برنارد سلفسر و فیلیپ طرابلسی نیز کتاب‌های طبی مسلمانان را به لاتین ترجمه کردند.<sup>۱۹</sup>

گویا اروپاییان در همان سال‌های آغازین ورود به سرزمین‌های اسلامی به نارسایی‌های دانش پزشکی خود پی بردند و امکانات بهداشتی و دانش پزشکی مسلمانان را الگویی مناسب برای درمان زخمیان و بیماران تشخیص دادند. آنان در شهرهایی که تصرف کردند بیمارستان‌هایی به سبک بیمارستان‌های شهرهای اسلامی برپا نمودند. ابن جیبر که شیفته زیبایی دمشق شده بود این شهر را به داشتن بیمارستان‌ها، مدارس عالی و مساجد زیبا ستوده است. زمانی که وی از برخی شهرهای تحت اشغال صلیبی‌ها مانند صور و عکا بازدید کرد در این شهرها، بیمارستان‌هایی را در کنار کلیساها مشاهده نمود که به روش بیمارستان‌های مسلمانان اداره می‌شد. هم‌چنین وی در سیسیل نیز، شاهد چنین بیمارستان‌هایی بود.<sup>۲۰</sup>

با آشنایی مسیحیان با آثار پزشکی مسلمانان، کالبدشناسی انسان جای کالبدشکافی خوک را گرفت و پزشکی اروپای قرون وسطا از عقب ماندگی توأم با خرافات، طلسم و جادو خارج شد. درمان بیماری‌های چشمی و قابلگی متحول شد. پزشکان اروپایی آموختند ادرار را امتحان کنند، نبض را شمارش کنند و تب را درجه‌بندی نمایند.<sup>۲۱</sup> علاوه بر انتقال این تجربه‌ها به اروپاییان، آثار پزشکان مسلمانی چون محمد بن زکریای رازی، ابن ربیان طبری استاد رازی، ابن سینا، ابوالحسن اهوازی و ابوالقاسم زهراوی پزشک قرطبه اندلس [کوردوبای فعلی اسپانیا] بر پزشکی غرب، قرن‌ها سایه افکند. زهراوی اولین فرد در جهان بود که پیوند شرابین را برای جلوگیری از خون‌ریزی ابداع کرد و کتاب پزشکی او در قرن 12 م در اروپا ترجمه شد.<sup>۲۲</sup>

موانعی چون عدم وجود امکانات علمی، محدودیت در رفت و آمد دانش‌مندان به دربار امیران صلیبی که سهم صلیبی‌ها را در ساختن بنای فرهنگ غربی ناچیز جلوه می‌دهد، جنگ مستمر با مسلمانان و مشکلات مالی از عوامل مؤثر در عدم جذب علوم و معارف مسلمانان به وسیله صلیبی‌ها در جریان هشت دور اردوکنشی در بیش از یک قرن بود. با این همه در ظاهر زندگی فرنگیان تغییراتی ایجاد شد و خانه‌ها و کاخ‌های آنان مانند خانه‌ها و کوشک‌های مسلمانان، پر زرق و برق و دارای وسایل و ظروف نفیس گردید. پوشاک آنان نیز تحت تأثیر عوامل محیطی و جغرافیایی و هم‌نشینی با اعراب تغییر پیدا کرد. به گونه‌ای که زنان غربی که در شرق زندگی می‌کردند به روش زنان مسلمان با حجاب در گذرگاه‌ها و کوی و بازار ظاهر می‌شدند و زنان اشراف، تجار و بازرگانان صلیبی، لباس‌های گران‌بها و مزین به تن می‌کردند.<sup>۲۳</sup>

به عنوان نمونه سیاح مسلمان، ابن جبیر در پالمو، زنانی مسیحی را می‌بیند که لباس و زیور آلات آنان مانند بانوان مسلمان بود. وی اشاره می‌کند که علاوه بر زنان و سوگلی‌های پادشاه سسیل (گیوم دوم)، نگهبانان کاخ و خوانسالار وی نیز مسلمان بودند و خود شاه هم زبان عربی را نیک می‌دانست.<sup>۲۴</sup> هم‌چنین ابن جبیر اشاره می‌کند که با وجود جنگ بین صلیبیان و مسلمانان، تجار آزادانه در قلمروی صلیبیان رفت و آمد داشتند. وی به عنوان یکی از شهود حوادث دوران صلاح‌الدین ایوبی می‌گوید که تجار مسلمانان در اوج فتوحات وی در قلمروی صلیبی‌ها رفت و آمد می‌کردند. به طوری که وقتی صلاح‌الدین دژ کرک را گشود و بندر عکا را محاصره کرد از یک سو اسرای فرنگی عبور داده می‌شدند و از سوی دیگر، تجار مسلمان در حال عبور دادن مال التجاره‌های خود به عکا بودند. خود وی نیز در همان هنگام برای بازدید از دو بندر عکا و صور که در تصرف صلیبی‌ها بود به آن دو شهر رفت.<sup>۲۵</sup>

در برخی از عهدنامه‌ها نیز شرط می‌شد که مسلمانان و عیسویان، آزادانه از سرزمین‌های یک‌دیگر عبور کنند، مانند عهدنامه صلح صلاح‌الدین با ریچارد شیردل.<sup>۲۶</sup> این آمد و شدها، صلیبی‌ها نفع خود را جست‌وجو می‌کردند؛ زیرا از یک سو از رفت و آمد تجار و افراد خارجی به قلمروی خود، باج راه اخذ می‌کردند و از مال التجاره‌ها باج می‌گرفتند و از سوی دیگر شناخت مسلمانان و صلیبیان، نسبت به یک‌دیگر بیشتر می‌شد. با این حال، یکی از برخوردهای متعصبانه صلیبی‌ها در مناطق اشغالی، تبدیل بیشتر مساجد به کلیسا بود. چنین برخوردی به وسیله فاتحان مسلمان به ندرت صورت می‌گرفت.<sup>۲۷</sup>



با وجود موانعی که اشاره شد ورود صلیبی‌ها به مشرق زمین، پیش‌داوری‌های آنان را درباره مسلمانان تغییر داد ولی ناتوانی فکری صلیبی‌ها برای اخذ دانش و تجارب علمی دانش‌مندان مسلمان، مانعی جدی برای دریافت علوم مسلمانان بود. البته آشنایی مسیحیان با دین اسلام سبب تردید آنان نسبت به درستی گفته‌های پاپ، اسقفان و کشیشان کاتولیک شد. ورود صلیبی‌ها به سرزمین‌های عربی و اسلامی سبب شد تا آنان با سرزمین‌های خاوری که برای مسلمانان شناخته شده بود، آشنا شوند. به گونه‌ای که سفیران پاپ و شاهان اروپایی، برخی از سیاحان سوداگر و ماجراجوی اروپایی به دربار خانان مغول در چین وارد شدند. بنابراین یکی از ثمره‌های جنگ‌های صلیبی این بود که افق دید اروپاییان نسبت به جهان پهناور و متمدن گسترده شد.

هم‌چنین برخی از دست‌آوردهای صنعتی تمدن اسلامی در اختیار اروپاییان قرار گرفت. به عنوان نمونه، یکی از سلاح‌هایی که مسلمانان در جنگ با صلیبی‌ها به کار می‌بردند پرتابه‌ای آتشین بود که با مواد خاصی ممزوج می‌شد و به سوی کشتی‌های دشمن یا قلعه‌ها و شهرهای در محاصره پرتاب می‌شد و دشمن را با خطری جدی مواجه می‌کرد. این سلاح به آتش یونانی نیز شهرت داشت؛ زیرا ابتدا بی‌زانشی‌ها آن را علیه مسلمانان به کار گرفتند و بعدها مسلمانان به رموز آن پی بردند. هم‌چنین مسلمانان از نوعی نارنجک سود می‌جستند که بعدها این دو سلاح به عنوان سلاح‌هایی مؤثر در اروپا رواج یافت.<sup>۲۸</sup>

یکی از پی‌آمدهای آشنایی اروپاییان با تمدن مشرق زمین، اختراع چاپ بود که در اثر

تکمیل کاغذ عملی گردید و زندگی فکری را در جهان وارد مرحله جدیدی کرد. از آن پس، علوم از انحصار بازرگانان، کشیشان و طبقات به خصوص خارج شد و در دسترس عمومی قرار گرفت. کتاب‌های نویسندگان به چاپ رسید و آگاهی عمومی افزایش یافت. صنعت چاپ که از طریق چینی‌ها به کشورهای اسلامی رسیده بود از این طریق به اروپا راه یافت. پیش از پایان جنگ‌های صلیبی، مردم مشرق زمین با قطب‌نما، باروت و صنعت چاپ آشنا شده بودند و انتقال این وسایل و ابزار به اروپا به دنبال این جنگ‌ها بود.

صنعت شیشه‌سازی یا صنایعی بود که به وسیله صلیبی‌ها به اروپا منتقل شد. از جمله موارد مستند در این باره می‌توان به عهدنامه‌ای اشاره کرد که بین بوهوموند هفتم<sup>۲۹</sup> امیر انطاکیه و فرمانروای ونیز منعقد گردید. به موجب این عهدنامه، رموز صنعت شیشه‌سازی سوریبی به ونیز منتقل شد.<sup>۳۰</sup> هم‌چنین استفاده از آسیاب بادی در اروپا، ارمغان صلیبی‌ها به اروپاییان بود؛ زیرا آنان با شیوه کار و تکنولوژی ساخت این نوع از آسیاب‌ها در آسیای صغیر آشنا شدند و تجربه خود را به اروپا منتقل کردند.<sup>۳۱</sup>

یکی از عوامل مهم انتقال صنایع، تجار اروپایی بودند که با مسلمانان ارتباط تجاری داشتند و اجناس و تولیدات پیشه‌وران مشرق زمین را به اروپا منتقل می‌کردند. تأثیر صلیبی‌ها در فرهنگ و تمدن اسلامی ناچیز نبود؛ زیرا اروپا در قرون وسطا از نظر فرهنگی و تمدنی با تمدن اسلامی برابر نبود. علاوه بر آن صلیبی‌ها، مهاجمان غارت‌گر و متعصبی بودند که به دنبال برپایی سلطنت مسیحی و راندن مسلمانان‌ها از مناطق مورد ادعای خود به هر شیوه‌ای بودند و مهم‌تر آن که جنگ‌جویان صلیبی عصاره فضایل فرهنگی اروپایی قرون وسطا نبودند. با این حال بی‌تردید تأثیراتی نیز داشتند. آثار معماری و بناهایی که از صلیبی‌ها در مناطق تحت اشغال آنان، به خصوص در لبنان برجا مانده است مانند کلیسای ماریوخنا در مارجیبیل در شمال لبنان، کلیسای مارمرقس در صُور و ماریوخنا در بیروت مؤید این تأثیر است.<sup>۳۲</sup>

در این دوران گسترش روحیه صوفی‌گری، بی‌اعتنایی به دنیا و انزوا طلبی در میان

مسلمانان شام و فلسطین مشاهده می‌شود. جریانی که در دوره ایوبیان و ممالیک؛ یعنی در اوج جنگ‌ها صلیبی توسعه بسیار پیدا کرد و در مصر و شامات بیشترین خانقاه‌ها و تکایای صوفیانه به عنوان مراکز استقرار فرق مختلف صوفیه ساخته شد؛ مثل فرقه احمدیه که به دست سید احمد بدوی در طنطای مصر پدید آمد، فرقه رفاعیه منسوب به احمد رفاعی، فرقه شاذلیه منسوب به ابوالحسن شاذلی، فرقه قادریه که عبدالقادر گیلانی در بغداد پدید آورد و فرقه مولویه که پیروان جلال‌الدین محمد مولوی در آسیای صغیر ایجاد کردند. در واقع با وجود این که تصوف دارای قدمتی تاریخی در جهان اسلام است اما پیش‌روی، توسعه و تکامل آن در میان مسلمانان شامات و فلسطین از آثار جنگ‌های صلیبی بود.

ورود کلمات بیگانه در متون عربی، یکی دیگر از آثار حضور فرنگیان در فلسطین و شام بود. البته از مسلمانانی که به یادگیری زبان فرانسه یا سایر زبان‌هایی که مهاجمان صلیبی با آن تکلم می‌کردند اطلاعی در دست نیست. در شعر و نثر عربی موضوعاتی مانند مدح مجاهدان، ترغیب به جهاد و برانگیختن شور مجاهدان اهمیت یافت. امیران مسلمان از شعرا حمایت می‌کردند و شعر عربی در این دوره به اوج رسید و شعرا برای ترغیب جنگ‌جویان در میدان‌های جنگ حضور می‌یافتند.<sup>۳۳</sup>

هم‌چنین گسترش مسیحیت در فلسطین، لبنان و سوریه، بر هم خوردن ترکیب قومی در این بخش از جهان اسلام، دیگر ره‌آورد جنگ‌های صلیبی بود. علاوه بر مهاجرت اروپاییان و سکونت آنان در شهرهای اشغالی، برخی از ساکنان این مناطق مجبور به ترک سرزمین‌های خود و بیشتر مهاجرت به مصر شدند. با قدرت یافتن صلاح‌الدین، موجی از کردها به سوریه روان شد.<sup>۳۴</sup>

جنگ‌های دوران باستان و میانه یک حسن داشت و آن آموختن جغرافیا به مردم بود. سوداگران ایتالیایی که در جنگ‌های صلیبی، ثروت فراوانی به دست آورده بودند، روش تهیه نقشه‌های دقیقی از مدیترانه را فرا گرفتند. وقایع نگاران که در لباس رهبانیت و همراه شوالیه‌ها سفر می‌کردند، وسعت و تنوع قاره آسیا را بهتر درک کردند و آن را از

طریق نوشته‌های خود به مردم اروپا منتقل نمودند.

شاید چندان منطقی نباشد که پیدایش و توسعه اندیشه‌های اومانیستی در اروپا را نتیجه مستقیم جنگ‌های صلیبی بدانیم اما ظهور ادیب فیلسوفانی مانند اراسموس، توماس مور، کامپانلا و میراندولا از اواخر قرن چهاردهم به بعد، ادامه نگرش تردید آمیز به آموزه‌های کلیسایی است. از قرن چهاردهم بازنگری در تاریخ یونان و روم باستان و سیر در آرای فیلسوفان این دو تمدن بزرگ و درخشان اروپایی شکل گرفت.

در روش علمی، تجربه استقرای علمی بر تعلیمات اسکولاستیک چیره شد و سرانجام نهضتی فلسفی به جدایی علم از کلیسا حکم داد. توجه خاص به انسان، جای تمرکز در ماوراء الطبیعه را گرفت. این جهان‌بینی جدید ناشی از شناخت دنیایی پهناتر از اروپا موجب عدم اعتماد به پاپ و کلیسا، شک در صحت آموزه‌های کلیسایی و حقانیت مذهب کاتولیک شد. پس از آن عطشی سیری ناپذیر در کشف جهان و شناخت طبیعت از راه علم (مشاهده و تجربه) و تغییر نگرش به جهان از حیرت در عالم خلقت به تصرف در عالم مبدل شد. ساختمان فکری و بنای اجتماعی سده‌های میانی با آرا و اندیشه‌های جدید که جنگ‌های صلیبی در بنای این اندیشه‌ها بی‌تأثیر نبود، ویران شد و بنیان جدیدی در تاریخ غرب، بر اساس جنبش فکری - فلسفی عصر رنسانس پدید آمد.

### نتیجه

ناکامی صلیبیان در اخذ تمام و کمال میراث علمی و تمدنی دنیای اسلام را می‌توان به دلایل و شرایط متعددی نسبت داد بی‌تردید مهم‌ترین دلیل در فراهم نبودن ابزارهای گفت‌وگو و عدم وجود فضیلت در شوالیه‌ها و نیروی نظامی صلیبیان بوده است. تفکر مسیحی جنگ طلب آکنده از خشونت سده‌های میانه، ملبس به دیانتی آلوده به خرافات و تهی از میراث حکمی و فلسفی بود که با فرمان برداری بی‌چون و چرای پیروان عامی خود به مقابله با مسلمانان برخاسته بود. غافل از آن که تعالیم اسلام در امتزاج با تفکرات علمی و فلسفی به پیشرفت‌های شگفتی نایل آمده بود و به طور دائم از آزمون مدنی کردن

قبایل دور از تمدن، سربلند بیرون آمده بود.

مسیحیان که تازه به یاد آورده بودند فلسطین زادگاه پیامبرانی است که برای آنان مقدس بودند و خدای زمینی آنان، عیسی مسیح نیز در همین مکان، گام به گام پیشینیان موحد خود گذاشته بود برخلاف آموزه‌های مسیح، به دور از هر گونه مدارا، مهر و دوستی بودند و دشمنی، ستیزه‌جویی و غارت‌گری از صفات اصلی این پیروان ناآگاه بود. از سوی دیگر، هیچ طرح از پیش تعیین شده یا اندیشه ترقی در میان مهاجمان وجود نداشت که در مواجهه با تمدن اسلامی به اخذ هر آن چه موجب آسایش و پیشرفت و اعتلا بود، منجر شود. از همه مهم‌تر برخلاف نظریه‌ای که می‌کوشد جنگ‌ها را با وجود صدمات فراوان به جامعه بشری، موجب پیشرفت و تأثیرگذاری تمدن‌ها و فرهنگ‌ها بر یک‌دیگر تلقی کند، باید گفت که تنها کسانی در این گونه حوادث به فهم اندیشه، فرهنگ و تمدن ملل دیگر نایل می‌شوند که به دور از تعصب، خشونت و خون‌ریزی با فراهم آوردن زبان گفت‌وگو به مفاهمه و گفت‌وگو روی آورند.

## پی‌نوشت‌ها

- . کاسمینسکی، *تاریخ قرون وسطی*، ترجمه انصاری و مؤمنی، تهران: نشر اندیشه، 1333، ص 117.
- . همان.
- . ویل دورانت، *تاریخ تمدن*، ج 4، ترجمه ابوطالب صارمی، تهران: سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، 1667، ص 333.
4. clermont.
5. Urbain II.
6. peter Aermitt.
7. Alexius Comnenus.
- . کاسمینسکی، *پیشین*، ص 100.
- . ر. ک: استیون رانسیمان، *تاریخ جنگ‌های صلیبی*، ترجمه منوچهر کاشف، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1660؛ هانس ابرهارد مایر، *تاریخ جنگ‌های صلیبی*، ترجمه حسن شاهکار، شیراز: انتشارات دانشگاه شیراز، 1371.
10. Baldwin III.
11. Amalric I.
12. Rainald.
- . استیون رانسیمان، *پیشین*، ج 3، ص 577.
14. Raymond III.
- . همان، ص 317.
- . محمد بن احمد بن جبیر، *رحله (سفرنامه) ابن جبیر*، ترجمه پرویز اتابکی، مشهد: آستان قدس رضوی، 1370، ص 447.
- . استیون رانسیمان، *پیشین*، ص 578.
- . محمد عروسی مطوی، *الحروب الصلیبیه فی المشرق و المغرب*،

تونس: دارالکتب الشریقه، 1444 م / 1474 ق، ص 117.  
. همان .

. ابن جبیر، پیشین، ص 606.

. هنری لوکاس، تاریخ از کهن‌ترین روزگار تا سده ما، ترجمه  
عبدالحسین آذرنگ، تهران: انتشارات کیهان، 1666، ص  
555.

. علی‌عبدالله دفاع، اسهام علماء العرب و المسلمین فی الطب، ص 73 به  
نقل از عبدالله ناصری طاهری، علل و آثار جنگ‌های صلیبی،  
تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، 1373، ص 155.  
. استیون رانسیمان، پیشین، ص 668.

. ابن جبیر، پیشین، ص 606.

. همان، ص 666 – 447.

. هانس ابرهاردمایر، پیشین، ص 114.

. ابن جبیر، پیشین، ص 447.

. احمد یوسف حسن و دانالد اریل، تاریخ مصور تکنولوژی  
اسلامی، ترجمه ناصر موفقیان، تهران: انتشارات علمی و  
فرهنگی، 1575، ص 144 – 150.

#### 29. Bohemond VII.

. همان، ص 606.

. ادوارد گیبون، انحطاط و سقوط امپراتوری روم، ترجمه  
فرنگیس شادمان، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب،  
1333، ج 3، ص 1444.

. عبدالله ناصری طاهری، بعلبک شهر آفتاب و حلب شهر ستارگان،  
تهران: سروش، 1666، ص 97 – 99.  
. محمد عروسی مطوی، پیشین، ص 133 – 144.

. همان .

